

معرفی نسخه خطی شمس الحسن اثر تاج‌الدین سلمانی

○ شهرزاد ساسان پور

از کتاب شمس الحسن اثر تاج‌الدین سلمانی سه نسخه خطی موجود است که یک نسخه آن در لندن و دو نسخه دیگر در استانبول نگهداری می‌شود. متن فارسی این کتاب در سال ۱۹۵۵ م. توسط هانس رومر آلمانی بصورت کلی با ترجمه و توضیحات آلمانی با نسخه عین منتشر شده است. نسخه خطی موردنظر یکی از نسخ موجود در استانبول است که به شماره (۳۰۴) در کتابخانه لالا اسماعیل افندی نگهداری می‌شود.

نویسنده کتاب، تاج‌الدین سلمانی، در زمره نویسندگان درباری عهد شاهرخ تیموری است. از آنجا که شاهرخ در بوجود آوردن آثار پایان عهد تیمور و دوره سلطنت خود اهتمام جدی داشت، در وهله اول دو نویسنده مشهور این زمان یعنی حافظ ابرو و تاج‌الدین سلمانی را مأمور این کار نمود. شمس الحسن وقایع سالهای ۸۰۷-۸۰۲ هـ. ق را دربردارد. این نسخه به خط نستعلیق در ۱۷۷ صفحه نگارش یافته و هر صفحه آن از دو ورق تشکیل شده و بطور متوسط در هر صفحه ۱۹ الی ۲۰ سطر با مرکب مشکی نوشته شده است.

مباحث و مطالب ذکر شده در این نسخه عبارتند از:

۱- حمد و سپاس خداوند و پیامبر اکرم (ص)، سبب تألیف کتاب، آغاز داستان تتمه تاریخ ایام خسرو صاحب‌قران، تعریف و تمجید از سمرقند، تعریف و تمجید از شاه‌ملک بهادر، سردار مشهور شاهرخ و نیز تمجید از الغیبیگ، تفویض حکومت سمرقند به او و ذکر دامادی الغیبیگ، در اصول رمل آنکه للسلطان المغفور شاه‌شجاع علیه‌الرحمه، در قران مشتری و زحل که در وفات حضرت خاقان وقوع یافت، در ذکر توجه حضرت سلطان مرحوم به جانب مغولستان، ذکر شدت بروقت طریق اترار، ذکر عبور رایات نصرت شمار بر نهر سیحون، ذکر نزول حضرت خاقان مرحوم انارالله برهانه در اترار و

فوت وی، ذکر شاهزاده خلیل سلطان و صلاح‌الدین امیر شیخ نورالدین و شاه‌ملک، خبر رسیدن میرانشاه و شاهرخ به خراسان، ذکر مکتوب امیرزاده شاهرخ به امیرزاده میرانشاه و ذکر توجه امیرزاده پیر محمد بهادر به جانب سمرقند، خروج سلطان حسین به سمرقند و ذکر فرار سلطان حسین و عزیمت بلخ نمودن، رسیدن ایلچی امیرزاده پیرمحمد به هرات و التماس قتل سلطان حسین نمودن، محاربات پیر محمد بهادر و امیرزاده خلیل سلطان، نزول موکب اعلی امیرزاده شاهرخ بهادر به هرات، ذکر مخالفت سعید خواجه و سرکوبی او توسط شاهرخ، منازعات مازندران و محاربات شاهرخ با تبرک شاه و سعید خواجه، ذکر انقلاب آذربایجان و عراقین و فارس، منازعات جهان‌شاه جاکو با امیرزاده عمر، محاربات میرانشاه با امیرزاده عمر در نواحی عراق عجم، توجه میرانشاه به آذربایجان، دستگیر شدن امیرزاده ابابکر توسط امیرزاده عمر، فرار امیرزاده پیر محمد، رستم و اسکندر با امیرزاده عمر به جانب اصفهان و یزد و شیراز و طغیان امیرزاده عمر، محاربات عمر با شاهرخ و گریختن عمر، ذکر توجه خدایداد حسینی بظاهر سمرقند و محاربات او با شاهرخ، و جریانات مجدد خلیل سلطان، توجه شاهرخ برای بار دوم به جانب مازندران، سرکوبی شورش سیستان، مسائل عراقین و آذربایجان، محاربات میرانشاه با قریوسف و شهید شدن میرانشاه، شورش مجدد خدایداد حسینی در ماوراءالنهر و محاربات او با خلیل سلطان، فرار ابابکر به سیستان، روانه شدن شاهرخ به سمت سیستان و فرار ابابکر از سیستان، ذکر آقایان و قمایان امیرزاده خلیل که اول از آقایان و قمایان که به حضره خاقان مرحوم متعلق بودند، و دیگر قمایان امیرزاده محمدسلطان بهادر، رسیدن خبر نهضت بندگی سلطنت پناهی امیرزاده شاهرخ بهادر از هرات به عزیمت تسخیر ماوراءالنهر

نویسنده کتاب، تاج‌الدین سلمانی، در زمره نویسندگان درباری عهد شاهرخ تیموری است... و شمس الحسن وقایع سال‌های ۸۰۷-۸۰۲ هـ. ق را دربردارد

در این کتاب علاوه بر مطالب تاریخی و تاحدودی جغرافیایی، طرح مسائل نظامی و جنگاوری‌ها، عمده‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهند و از این نظر می‌توان این کتاب را مانند ظفرنامه‌های شامی و شرف‌الدین علی یزیدی به حساب آورد

کتابی در پیشتر سلطان مایب نداشتند و بنام لالاسرخ کهن خطاب
مربع در راز کرده نمود و از آن کلام و در شمار بگردد و در اب
خراب بر سر راهها کند و از آن سحر و جادو و سحر و جادو و سحر
عین ستم جرح شکاسته و از آن وی و مسووم بر استری سزا و ک
شکست و از آن دستند و انکار پیشند و از آن سزا و از آن دست
کفایت و فریب و دینیت و ستم مرتبت و ستمت فلک و فایده
بزیست و از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دست
که از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند
و از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند
لن از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند
کفایت و فریب و دینیت و ستم مرتبت و ستمت فلک و فایده
بزیست و از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دست
که از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند
و از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند
لن از آن دستند و از آن سزا و از آن دستند و از آن دستند

سفر شدند و دست و در کز دست و از آن کس و از آن کس و از آن کس
بند و طلب و در راز و سحر و جادو و سحر و جادو و سحر
و ستمت است و از آن کس و از آن کس و از آن کس
علی سده سال و از آن کس و از آن کس و از آن کس
و کلید بسیار و در دست و ستمت و از آن کس و از آن کس
استه و از آن کس و از آن کس و از آن کس
بوست و از آن کس و از آن کس و از آن کس
راد و از آن کس و از آن کس و از آن کس
عسا و از آن کس و از آن کس و از آن کس
بفرست و از آن کس و از آن کس و از آن کس
کس و از آن کس و از آن کس و از آن کس
ز توالی و ستمت و از آن کس و از آن کس و از آن کس
جان و ستمت و از آن کس و از آن کس و از آن کس
سیان و از آن کس و از آن کس و از آن کس
دگر و از آن کس و از آن کس و از آن کس
و چون از آن کس و از آن کس و از آن کس
بگذشت و از آن کس و از آن کس و از آن کس
شهر و از آن کس و از آن کس و از آن کس
از کس و از آن کس و از آن کس و از آن کس

مهر نسخه



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / بهمن ماه ۱۳۷۹

در سراسر این نسخه بارها و بارها شاهزادگان تیموری، از جمله خود تیمور، شاهرخ و بخصوص الغ بیگ مورد مدح و ثناگویی قرار گرفته اند

نزد امیرزاده خلیل، محاربه امیرزاده خلیل با خدایداک، تخلف امیرزاده پیرمحمد جهانگیر از امیرزاده خلیل در محاربه با خدایداک، ذکر رسیدن خبر گرفتاری امیرزاده خلیل به سمرقند. درباره مولف این نسخه یعنی تاج الدین سلمانی متأسفانه اطلاعات زیادی در دست نیست. اندک اطلاعات حکایت از آن دارد که وی ابتدا ملازم تیمور گورکان و سپس در خدمت شاهرخ بوده و آزادانه در دربار و دیوان رفت و آمد می کرده است. خط او نشان می دهد که در زمره خطاطان مشهور این عصر نیز بوده است. به استثنای دو نامه موجود او در کتاب فوائدالغیایه، تنها اثر بجای مانده از وی، شمس الحسن، می باشد. سلمانی در این نسخه (در صفحات ۱۰ ب و ۱۱ الف) درباره چگونگی تألیف این اثر می نویسد: «در اوایل جمادی الاول سنه ثلاث عشر ثمانمائه روزی این کمترین بندگان جانی اقل عبدالله الملك الربانی «تاج السلمانی» در حاشیه بساط مجلس همایون بقدم انبساط ایستاده بود از روی جد و اهتمام ور آه نشاط و رغبت تمام بحث این داعیه مبارکه در میان آوردند در آن اثناء ناگاه التفات خاطر عاطر سوی این بنده کمینه و چاکر دیرینه فرمودند و مبالغ نمودند که «ذیل تاریخ عهد دولت و عصر سلطنت

حضرت خاقانی... که به سبب عواقب زمان و حدوث حدثان در عقد تمویق مانده و پای بند عقال تعلل شده ترا به عبارت لطیف و روشن و الفاظ صحیح مبرهن که قرب الفهم باشد و از امثال غریبه و تکلفات و تصنعات عجیبه بکلی خالی و عاری می باید نوشت مصرع که کار تست و کار دیگر نیست. تا بسمی دست برد معانی روح افزایش آن عقده مخمل شود و بمفتاح بیان مشکل کشای آن عقال زوال یابد...» تاج الدین سلمانی در سبب تألیف کتاب شمس الحسن در صفحه ۴ ورق ب چنین آورده است: «اما بعد مقصود از تألیف کتاب و مراد از تصنیف این فصول و ابواب آنکه همچون بروائی ناقدان عیون هنر و جوهریان در مکتون سیر مبرهن و در نظر کله بندان جمال کمال و نقش طرازان تتق افضال روشن است که به مقتضای کلام ربانی و منشور مقال سبحانی کمال قال تقدس و تعالی فارتدا علی آثارهما قصصاً. در استماع تواریخ و اخبار و فواید فواد اخبار بسیار و بی شمار تواند بود و سعی مشاط سخن سلف هر لحظه نقاب از چهره جمیله محبوبی روحانی می توان کشید و بعد دلاله ناطقه اهل شرف هر زمان حجاب از رخسار پرانوار مطلوب روحانی

می‌توان داشت سرمایه حکمت از تفحص احوال پسندیده متقدمان بدست آید و پیرایه موعظت از تتبع خصال حمیده گذشتگان به حصول پیوند چون عارض معلومی از پرده معدومی نمود...
لمؤلفه:

در گنج گوهر که شامخ بود
کلیدش بدست مورخ بود».

ویژگی‌های این نسخه به شرح زیر است:
اولاً در سراسر این نسخه بارها و بارها شاهزادگان تیموری از جمله خود تیمور، شاهرخ و بخصوص الغ بیگ مورد مدح و ثناگویی قرار گرفته‌اند. چنانکه در صفحه ۳۱ ورق ب راجع به مرگ تیمور آورده است:

که باشد پس از رفتن کیقباد
دل دوست غمگین دل خصم شاد
چنین برمی‌آید که نویسنده علاقه وافری به الغ بیگ داشته چون از میان فرزندان شاهرخ میرزا تنها به وصف الغ بیگ و حتی توصیف دامادی او می‌پردازد
ثانیاً: مؤلف به سرزمین ماوراءالنهر نیز توجه و علاقه خاصی داشته و در چند صفحه به توصیف شهر «سمرقند» پرداخته است همچنین در صفحه ۳۰ ورق ب از شدت برودت اترار سخن گفته است که این می‌تواند تا حدودی تعلق خاطر جغرافیایی نویسنده را مشخص نماید.

ثالثاً: نویسنده در جای جای کتاب از آیات و احادیث قرآن و حتی اشعار و مصراع‌های زیادی استفاده کرده است که شاید در نوع خود بی‌نظیر باشد.
رابعاً: سبک نگارش مؤلف شیوه ترکیبی از نظم و نثر است.
خامساً: مقایسه محتوای این کتاب با آثاری چون زبدة التواریخ حافظ ابرو صحت مطالب و صداقت نویسنده را نشان می‌دهد.
سادساً: در این کتاب علاوه بر مطالب تاریخی و تا حدودی جغرافیایی، طرح مسائل نظامی و جنگاوری‌ها، عمده‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهند و از این نظر می‌توان این کتاب را مانند ظفرنامه‌های شامی و شرف‌الدین علی یزدی به حساب آورد.

هدف نگارش این کتاب، بنابر اظهارات تاج‌الدین سلمانی، برآوردن خواسته شاهرخ در نگارش وقایع پایانی عهد تیمور و دوران سلطنت خود او بوده است پس او را باید نویسنده‌ای درباری دانست و اگر مدح و ثناتی هم مشاهده می‌شود به این خاطر است که این مهمترین خصیصه تاریخنگاری درباری است.

همچنین این کتاب نه صورت ثبت وقایع روزانه دارد و نه بصورت سال‌نگاری و سنواتی ترتیب یافته بلکه تاج‌الدین سلمانی بیشتر وقایع نظامی و سیاسی را به ترتیبی که اتفاق افتاده است پشت سر هم بازگو می‌کند.

از سوی دیگر وی به شرح حال و توصیف و تمجید برخی از رجال عصر شاهرخ مانند امیرشاهملک بهادر پرداخته است. چنانکه راجع به او در صفحات ب ۷ و الف ۸ چنین آورده است «و در احیاء مراسم رعیت‌پروری و ابقاء قوانین مرحمت‌گستری که بعد وفات حضرت خاقان صاحب‌قران علیه‌الرحمه والرضوان الی الغایه اسفیرام و انهدام یافته بود خاصیت دم عیسی و ید بیضاء نمود و زخمه و ثلمه که در اسپاس و اتکان خانواده سلطنت خاقانی سبب شروع اهل غرض و افساد و واسطه اختیار ارباب طغیان و عناد واقع شده بود بسعی معمار خرد خرده‌دان و مدد مهندس دولت کامران استوار گردانید و در رواج مدارس و مساجد و رونق خوانق و معابد حد جد از یمن جد مجد بطور آورد. بیت:

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار



صفحه اول نسخه بریتانیا

چنین نماید شمشیر صفدران آثار.»

از سوی دیگر وی به نکات اخلاقی و حکایات پندآمیز توجه وافری داشته برای مثال در صفحه ۷ ب و ۸ الف درباره وفاداری چنین آورده است:

«وفا مایه کامرانی دهد

وفا دولت جاودانی دهد

وفا نقد کیش مسلمانیست

کسی کس وفا هست ایما نیست

وفایت نماید ره راستان

وفا بخشند روح دل ذوق جان...»

بقول خدا و رسول: میاش از وفا در جفاها ملول «

ظاهراً نویسنده تا حدودی به علم رمل هم علاقه داشته چنانکه در صفحه ۲۰ الف به استفاده از علم رمل به دستور شاه شجاع اشاره کرده است.

امید است چاپ این نسخه، گامی در جهت روشن تر شدن مسائل عصر تیموری و شناخته شدن بیشتر تاج‌الدین سلمانی باشد.

نویسنده در جای جای کتاب از آیات و احادیث قرآن و حتی اشعار و مصراع‌های زیادی استفاده کرده است که شاید در نوع خود بی‌نظیر باشد